

قلم‌های ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

هادی بهزاد

تجربه فلسطین

جهان برانگیخته است، در عین حال تصویری از این واقعیت است که "جنبش فلسطین" پس از چهل سال افت و خیز، سرانجام معبر اصلی و کلید معمای خود را یافته است.

ویژگیهای این مرحله در دو زمینه است: اساسی جلب توجه می کند:

۱ - برای نخستین بار، پیام نه در قالب شیخون های موسمی و نه با الگوهای تروریستی " و یا قابل تبیین بر سه تروریسم" بلکه با تمام مختصات یک حرکت مردمی، درون سرزمین های اشغالی و رودر روی حریف شکل گرفته است - بسر احوالت و حقانیت خود متکی است و طبیعتاً از هر گونه اتهام نسبت فایع کنشده ای معصوم است.

بقیه در صفحه ۲

فریدون رخشا

فکر و روش آنها

در لباس رزم

نخبر، با دیدیک قند و گلاب مفصلی هم برای فلندما رشاها تهیه ببینیم. فلندما رشاها همانی جان برکفر دشمن ستیز لشکرشکنی، که قرا بود تا آخرین قطره خون خود را در راه حفظ و حراست میهن اینا رکنند، ولی به حکم عرق وطن پرستی و خدمتگزاری، ملاح و مصلحت مُلک را در این دیدند که روز ۲۲ بهمن ۵۷، پای یک سند "میهنی" مسمی به "بی طرفی" را اضماء کنند. کردند و زمان ما مورمملکت را به کف با کفایت آخوند سیردند و وجود دینی قیامت خود را، برای روز "مبادا"، به سنگ رسوا حل سلامت منتقل کردند. (و خواهم دید که، در عوض، استراتژی آخوند را اقتباس کردند.)

به حساب سرائنگشتی، این ۲۷ امیر "بی طرفی" آن روز، دست کم ۲۷ کیلوگرم آهن و نقره و طلا به صورت نشان های تاج و تاجه بیون و ذوا لبقا رو غیره به سینه آویخته بودند. این ها را جرابه آن ها داده بودند. آن ها که نه "وردن" را فتح کرده بودند، نه "استالینگراد" را، شایه این ها را علی الحساب شجاعت های بعدی داده بودند بهر حال برای "بی طرفی" خدا داده بودند، داده بودند که بخوشی "طرف" باشند.

بقیه در صفحه ۵

حوادث غزه و ساحل غربی رود اردن، خاصه هیجان و حمایت بی سابقه ای که در سراسر

حیطی مشکان

اشباح تصمیم گیرنده

واجب ادبی تصمیم

شورای امنیت با رد دیگر به دبیر کل سازمان ملل متحد، موریت داد که در جهت قطع مخاصمات و برقراری آتش بس بین ایران و عراق اقدامات فوری و قطعی بعمل آورد و آقای "ده کوئشار" نیز از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد برای مذاکرات فوری به نیویورک بروند.

اشکال کار سازمان ملل و مراجع بین المللی و اکثر دول خارجی اینست که در رابطه با جمهوری اسلامی بر اساس "پروتکل" عمل می کنند. طبق "پروتکل" مذاکرات سیاسی با هر کشوری با پیدای طریق وزارت امور خارجه آن کشور صورت گیرد که مرجع تصمیم گیری در مسائل خارجی است اما وقتی وزارت امور خارجه هیچ اختیاری بقیه در صفحه ۱۲

از جمله اکسیرس

موشک در برابر موشک

جنگ ایران و عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و تا بحال بیش از یک میلیون کشت و زخمی برجای نهاده است بنا بر این از سرگیری "جنگ شهرها" به وسیله "موشک" چیزی جز یک مرحله تا زهد را بین خونریزی بی انتها نیست. با این همه این امر گویای آشفتگی رژیم بغداد و انحراف شدید به سوی یک استراتژی ضد شهری و همچنین نشانه تحولی خطرناک در زادگاه های یکی از حساس ترین مناطق جهان است.

این بغداد بود که در اوایل ماه مارس با شلیک روزی چندین موشک به تهران آتش را شعله ور کرد، در حالی که رادیویس در فواصل منظم شعار میداد: "ای موشک ها سر این حشره مودی را بکوبید".

بقیه در صفحه ۴

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار بمناسبت

نوروز ۱۳۶۷

با رد دیگر تکرار کنیم: از مبارزه برای صلح، در حد توانائی، کوتاهی نکنید، می بینید که پیرمرد مجنون - در حالی که برای خود و نزدیکانش مطمئن ترین بناها هم را ترتیب داده - چشم در چشم کسانی که با هول و هراس بمب ها و موشک های مرکز، در عزای عزیزان خود، خون می گیرند، با بی شرمی مافوق تصویری می گوید: بقیه در صفحه ۳

از رادیو ایران

اندر بالای سخت

بر ما ملت ایران روزهای سختی می گذرد، روزهای سخت تراز این، شاید در پیش باشد. آن روزگار آن دشوار و دردناکی را که در طول تاریخ بر ملت ایران گذشته است، وقتی که در کتبا به می خواندیم، با نوعی احساس همدردی تاریخی می خواندیم. و امروز یکی از آن روزهای تلخ و تاریک نصیب خودمان شده است. در دوران دیروز نیاکان ما در این آب و خاک، غبار اندوهی بردلها یمان می نشاند، لیکن از خواندن داستان مقاومت ها که آنان کردند، با پیداری ها که نشان دادند، احساس سربلندی ای می کردیم که چون صیقلی زنگار غم از دلها یمان می زدود.

بقیه در ۹

نوشته مارک گاز پوروسکی

گودتای ۱۹۵۲ در ایران

در شماره مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۴۶ - قسمت هائیک از ساله مارک گاز پوروسکی، رئیس دیارتمان علوم سیاسی دانشگاه لویزیانا - راجع به گودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - راجع کردیم. عده ای از خوانندگان ما، به وسیله نامه، تقاضا کرده اند که متن کامل این بررسی را بنظرشان برسانیم.

با توجه به این که رساله مزبور با استفاده از آرشیو ملی آمریکا و مرکز اسناد انگلستان و معاصرا قائل نام موران دست اندر کار گودتا، به رشته تحریر درآمده و نویسنده آن را کامل ترین تحقیق در زمینه دخالت آمریکا و انگلیس در گودتای ۱۹۵۲ میداند، به خواهش آقای فواد روحانی کار ترجمه آن را منتقل نمودند و این شماره، در ۳ با قسمت بنظر خوانندگان گرامی می رسد.

بقیه در صفحه ۸

خواهران و بیاوران عزیزم، فرارسیدن نوروز گرامی را، کاش می توانستم با خاطری آسوده، به شما تبریک بگویم و آرزو کنم که هر روزتان، چون امروز، عیدی و نوروزی باشد، اما شما نوروز مصیبت باری را می گذرانید و بهار را، با ردیگر، در میان آتش و خون آغاز می کنید.

یقین بدانید که در این ایام بلاخیز، لحظه ای از یاد دشمن و رنج و عذابتان، غافل نیستم و آنچه در توان دارم، برای پایان دادن به این کابوس چندساله ملت ایران تلاش می کنم.

امروز، در این مهلکه خونبار، اگر جای شادباش گفتن نیست، لاف قل جای آنست که، بعنوان پیام نوروزی، این توصیه را سعید رضوانی

راه بی پایان

یک سال دیگر هم گذشت و ایران در آتش جنگ، هرج و مرج، بیداد، استبداد، اختناق و ارتجاع سوخت و همچنان مسی سوزد.

جنگ، در هفته های پایانی سال شدت یافت. ایران نیا ن مراسم آغاز سال را در شرایطی برگزار کردند که از زمین و آسمان ایران آتش می بارید. در آغاز سال جدید جنگ در زمین، در هوا و دریا بسختی ادامه دارد. هر یک قدم جلورفتن یا عقب نشستن در جبهه های زمینی به قیمت جان دهها هزار انسان تمام می شود و در همین حال، انسان های بی دفاع در مناطق دور از جبهه زیر باران بمب و موشک نابودی خانه و زندگی و شهروطن خود را نظاره می کنند.

بقیه در صفحه ۳

انتقاداتی به جهانی به

جنگ شیمیایی

جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۱ مارس، اعلام کرد که عراق در روزهای شانزدهم و هفدهم مارس، با کابرد بمب های خوشه ای - محتوی گازهای سیانور و خردل - شهرهای حلبچه، خورمال، دهلیله و چندین روستا را در کردستان عراق بمباران کرده است که در نتیجه آن، پنج هزار تن کشته و پنج هزار تن زخمی شده اند و زخمیان به بیمارستان های ایران منتقل گردیده اند.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱

این مردم کوچک و بویا زار، از کودکی ده ساله تا زنان و مردان ۷۰ ساله اندک در میدان هستند، بی آن که چشمی بسه عنایت شرق یا غرب و یا حتی به کسی هوا خوان ها ن خود دوخته باشند. قدرتشان غیرت و سلاحشان چوب و سنگ و کلوخ است که از سرزمین خود آنها است و بی خبر هم نیستند که با ارتشی دست بگیرند که به حق نیرومندترین قدرت رزمی منطقه شناخته شده و در تجربه نیز برتری کارآئی خود را بر مجموعه ارتش های همسایه اثبات کرده است.

در یکسو قریب صدگشته، صدها اقلیج و ناقص العضو هزاران مجروح و در سویی دیگر زندان های لیبریزا زنجوانان و جوانان دست و پا شکسته و خرد شده، نه تنها به کشتن آتش کمکی نکرده، بلکه لحظه به لحظه بر لهیب و دامن های آن افزوده است.

۲ - مبارزان فلسطینی با بیداری و هوشیاری تحسین انگیزی بر هر چه نه و فرمتی که قیام را به ایزا ر بهره جوشی دیگران مبدل کند، راه بسته اند.

عمال خمینی فراوان تقلا کردند تا شعارهای نشان دار خود را به نحوی در صفوف قیام کنندگان جا بیندازند، و این حرکت اصیل و مردمی را زیر انگ "اسلامی" خود زمسیرا لمی که انتخاب کرده است منحرف کنند و ملی کا "ملا" پیدا کنند که طرفی از طرفندهای خود نبسته اند.

مطبوعات رژیم آیت الله، با نشر اولین خبرهای قیام، "بخشنا مه های یک دست را با حروف درشت در صفحات اول خود ردیف کردند، را دیو- تلویزیون دولتی، رجزهای همیشگی را سردادند و از این قماش: "جوانان مسلمان غره همه جا تمثال اما خمینی را بدوش می کشند".

"قریاد خمینی خمینی زمین را در زیر پای سربازان صهیونیستی می لرزاند". "انقلاب اسلامی فلسطین سازشکاران و خائنین را طرد می کند". ... و لسی واقعیت خیلی زود و پیش از آن که "میلغان اسلامی" بتوانند بساط خود را جور کنند، ظاهر شد، رهبران قیام در همان اولین قدمها، معدود مزدوران حزب اللهی را رد گرفتند و صفوف خود را اندنند.

بر آن ها مسلم بود که نفوذ شعارهای "وارداتی" به خصوص آنچه از دربار "فقیه" می رسد، از هر جهت بسود اسرائیل تمام نخواهد شد، و به شکی نیست که تبلیغات نیرومند و جهانی اسرائیل بهانه ای پراش خواهد داد تا جنبشی را که از منتهن تقاضای مردم جوشیده است زیر عنوان شاخه ای از تروریسم مادر آیت الله بی اعتبار و مآلا" دامن قیام را در کنار رتقا ویری انبوه از ردالت ها و آدم کشی ها و آدم دزدی ها لکه دار کند. کا "ملا" محسوس بود که اسرائیل نیز به ندرت چنین انتسابی بی مبل نیست زیرا یقین داشت که آلودگی قیام به درگاهائی از حضور "خمینی گری"، بر افکار عمومی درجهان و مخصوصا "امریکا" خواهد گذاشت. درک این نکته ی ظریف، رهبران جنبش را بر آن

تجربه فلسطین

نشوده است " به سهم خود شاهدی برای ناکامی شد.

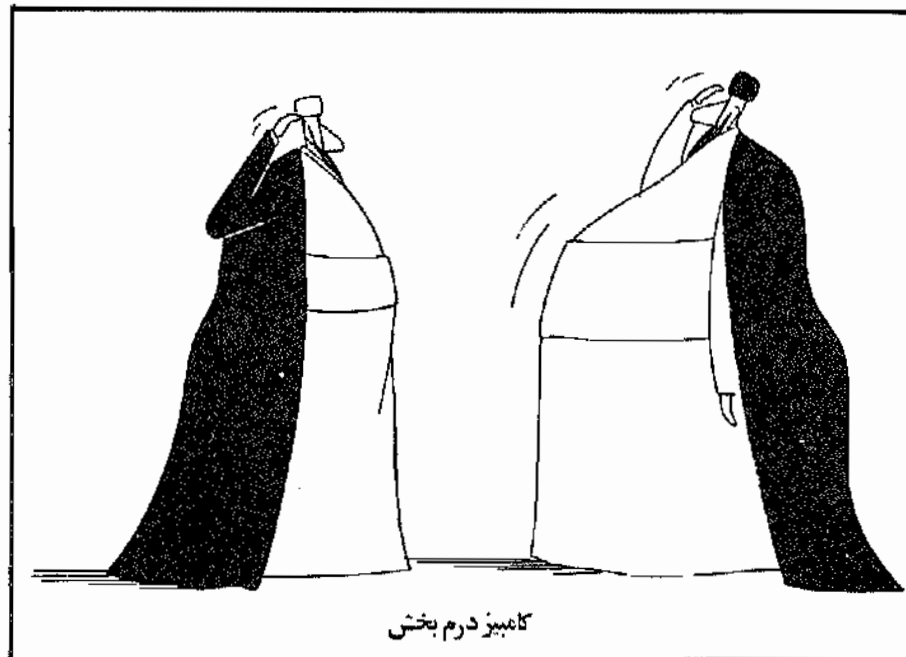
اما مهمترین زحمه ای این ها، ظهور رگه های فوق العاده نیرومند و واقع بینی در متن جامعه ای یهود و حتی در اسرائیل و با زتاب روشن آن یعنی اختلاف نظر روز افزون در حزب حاکم است که دولت ائتلافی "لیکود- کارگر" را مخصوصاً در آستانه انتخابات، به یکی از بحرانی ترین مراحل حیات سیاسی خود غلتانده است. دیدار اسحق سمیر "نخست وزیر" بدون همراهی وزیر خارجه کا بینه اش "شیمون پرز" که رهبری حزب کارگر را به عهده دارد، جلوه ای از همین تضادهای درونی است. دست راستی های حکومت "جناح لیکود" طبعاً "برخوردار از حمایت ارتدوکس های یهود که همچنان بر بنیاد "ارض موعود"

داشت تا در اولین حرکت، توطئه ای "حزب الله" را با قاطعیت بشکنند و بسه دنیا حالی کنند که آن چه در سرزمین های اشغالی روی می دهد، خیزشی مردمی و از هر گونه برجیب بدنا مکننده ای مصون است.

در سایی مراقبتی چنین زیرکانه نبود که حالت ملی و دمکراتیک قیام را افتتاح و بر سر آسرها ن و حتی بر محافل معتبری از جامعه یهودا اثر گذاشت و نتیجه این که:

در ایالات متحده، بزرگترین متحد و تکیه گاه اسرائیل این فکرت گرفت که مشکل فلسطین را آن گونه که تا کنون افراطیون اسرائیل القا کرده اند، زمان حل نخواهد کرد.

چهل سال امید و انتظار در کنار رموهومی که گویا کوفتگی و غلبه بی تغاوتی



کامبیز درم بخش

و تعالیم "مقررات مقدس" چسبیده اند. بی آن که طلب باطنی خود را افشاء کنند، بر لزوم حفظ سرزمین های اشغالی اصرار دارند و به زبان سیاست "دلیل" مسی آورند: تا امنیت اسرائیل در محاصره دشمنانی که چشم به زوال موجودیت آن دوخته اند بنحواطمینان بخشی تا مین نشود، رها کردن حتی بخشی از سرزمین های اشغالی که در جنگ ۶ روزه "ماه ۱۹۷۶" به تصرف اسرائیل در آمده "گذشتی" در حکم خودکشی است.

گفتنی است در نتیجه ای این جنگ سرزمین های جموعاً "به مساحت سه برابر خاک اصلی اسرائیل" شبه جزیره سینا - نوار غزه - ساحل غربی رود اردن - بلندیهای جولان "به تصرف ارتش اسرائیل درآمد. که بموجب قرارداد کمپ دیوید "۱۹۷۸" دولت اسرائیل بسر با زگرداندن شبه جزیره سینا به مصر و مذاکره درباره ی حق خودمختاری فلسطینیان ساکن ساحل غربی رود اردن و غزه متعهد شد، که در زمینه خیر تا کنون مطلقاً "کاری از پیش نرفتند" است.

اجمالاً "جناح دست راستی و افراطی متکی به "مژده قدیم" به حل مسئله فلسطین از طریق تخلیه سرزمین های

سرانجام فلسطینی ها را به تسلیم و رضا خواهد کشید تنها به آتش زیر خاکستر دامن زده است.

با ماء موریت عجولانه شولتز به خاور میانه و راه طرحی - اگر چه جزئیات آن همچنان پوشیده است - این قضاوت زمینه پیدا کرد که او شینگتن علی رغم نفوذ گسترده ی یهودیان در چرخ دنده های اقتصاد و سیاست امریکا، از این پس نمی تواند تذبذب تلقین افراطیون اسرائیل نسبت به مسئله ای در این پایه از اهمیت بی اعتنا بماند آن را بدست خواهد سپرد و بگذرد.

در اروپا نیز گرایش مشابهی ظاهر شد. رای سنگین جامعه ای اقتصاد اروپا مبنی بر محکومیت روش های خشونت آمیز و چندش آورا اسرائیل در سرکوب مردمی که از بی سامانی و بلاتکلیفی در شرائط اشغال و زندگی و حقوق کاملان مساوی به جان آمده اند اشکاس دیگری از این واقعیت بود که اسرائیل با همسایه ای مکانات تبلیغی خود در غرب، عرصه را دست کم در قلمرو افکار عمومی جهان باخت است.

سفر شتاب آمیز "اسحق سمیر" به واشینگتن و عمدتاً "به تمدختی کردن طمس طرح شولتز" که ظاهراً "چندان هم شربخش

اشغالی رغبتی ندارد و این سهل است با اسلام بیت المقدس زیر عنوان "یا بتخت جاودانی اسرائیل" و بهانه های از این دست که: "هرگز و هیچگاه به مذاکره با سازمان آزادیبخش تن در نخواهند داد، چرا که اولاً" یک گروه تروریستی است و ثانیاً "حق ندارد به نمایندگی از سوی تمام فلسطینیان عرض اندام کند" - عملاً" از حل منکل مزمن و خطرناکی که به انواع رشته ها با سر نوشت منطقه گره خورده است، مانع شده اند.

در کنار این تمایل افراطی و سنتی که گاه مانع از زتاب زتاب های خیره کننده ی تعصب نژادی و مذهبی است، گرایش های متنوع دیگری - البته در درجات مختلف "ملایمت" - به چشم می خورد که تنها در جا معی بین المللی یهود بلکه در اسرائیل نیز خرد خرد رشد کرده و بسه نیروی اثر گذاری مبدل شده است.

در متن این گرایش ها ست که تاء ملی در خط آینده نگری نفع میگیرد و جای خود را با زمیندوان توجه به افزایش سریع نفوس غیر یهود در قلمرو دولت اسرائیل است که پیش بینی میشود، در سال های نه چندان دور مشکلاتی در غایت پیچیدگی بر انبوه مشکلات این کشور بیفزاید و اندیشه ی "کشور مستقل یهود" را از اساس به مخاطره اندازد. یکی از جنبه های با فشاری اسرائیل بر مهاجرت یهودیان شوروی و جذب آن ها به اسرائیل گذشته از مسائل سیاسی در سطح رقابت های بین المللی ناشی از همین دلهره است که مبادا تناسب نفوس به نحوی درستی مختل شود.

بدیهی است این گونه بگمگوها و تضادهای حکایت امروزی نیست ولی به وضوح قابل درک است که جنبش یکپارچه مردمی در قوه و ساحل غربی رود اردن و جای جای در قلب اورشلیم، در همان حال که به طرح جدی این گونه مسائل دامن زده سیاسی شده است تا جامعه بین المللی نسبت به حل مشکل فلسطین و لزوم سامان دادن میلیون ها آواره و قبول حق مسلم آن ها بیداشتن "وطن" را سخ تر عمل کند و مهم تر از آن دولت اسرائیل را از مواضع تعرضی به مواضع دفاعی سوق دهد. در این میان روشن بینان یهود حس می کنند که حوادث سرزمین های اشغالی و بیداری قیام و بر خوردن و غیر انسانی سربازان اسرائیل با کودکان و زنان و مردانی که لحظه ای از جوش با زمانده اند بر اعتبار جهانی اسرائیل صدمات جدی وارد آورده است.

توجه دارند که تشویش اشکاس مناطقی در عرشه آور سرکوب کودکان و زنان و مردان کلان سال، شکستن استخوان کسانیکه به دام می افتند زنده بگور کنند - نوجوانان، حمله به بیمارستان ها و ضرب و شتم اطباء و پرستاران، رفتار فتنه میز و تا شرمه می تب و تاب بی راه گطی سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بر اثبات مظلومیت خود داشته اند و نیز خاطرسره ی موخ قتل عام ۶ میلیون یهودی در اردوگا های مرگ و کوره های آدم سوز را که "به حق" با انواع شیوه های تبلیغی

پنجمین صفحه ۱

پیام دکتر شاپور بختیار

بمناسبت نوروز ۱۳۶۷

"مردم ایران که ظالمانه دستگیر شدند، بداند که موسک ها می خندند، چون شاید با شوق و تفنگ و موتوک برایمان شفا و تنگی کند". در برابر این دروغ و بیجا شایعه سکوت نکنید. دشمنان بدانند که شما طالب شهادت نیستید، که این همان استبداد که جنگ می خواهد و شما را حقیقتاً جنگ نامرورزی را، مزدوران غلامان دیده رژیم، در دهن معدودی افشاران نیازمند بی تمزوه و محاحاخر، می گذارند.

امروز ما معین المللی، در حدود توانائی خود، برای پایان دادن به این جنگ سرمهیب، می کوشد، ولی در برابر سماجت آخوندهای سفاک، که پایان جنگ را معادفات زوال قدرت خود می بینند، کاری از پیش نمی برد. این شما هستید

بقیه صفحه ۲

ششمین صفحه ۱

راه بی پایان

کسانی که برای دوران سازندگی ساخته شده اند در این دوره نمیتوانند استعداد و کفایت خود را نشان دهند، قدرت را از دست بدهند و خود را ساقی و غلامان در سایه غیرمادی می توانستند ندیدند هیچ فیدوی بی معنای تریبی مقامات و مساعیان دست بدهند که در صحنه حذف خواهند شد. این کرد، بر حفظ شعارهای انقلاب، بکشد این روحه انقلابی در جامعه، جلوگیری از عادی شدن محیط، صدور انقلاب از کشور و ایجاد حرکت همسایگان انقلابی با انقلاب در انقلاب تا کید می ورزند.

به انحصار قدرت سری که متمایل به آرامش و آسایش است در نهایت امر امکان سرورزی برای سدر و وجود ندارد و بهر تقدیر، جامعه روزی حالت عادی خود را بازیابد ولی تا زمانی که جنگهای داخلی خارجی و بحران اقتصادی و سیاسی وجود داشته باشد کشورها غیر سیاسی نخواهند و ما را بیخود خود حفظ کنند.

سدهمین دلیل است که گروه تندروها در داخل رژیم آیت الله به هر تلاشی دست می زنند تا جنگ ایران و عراق، بحران خلیج فارس، بحران روابط سیاسی بین ایران و کشورهای غربی و همچنین اختلافات ایران با کشورهای میانه روی غرب ادا می شود.

در سال ۱۳۶۶ این تلاش از طرف گروه تندروها دنبال شد و برای به بار آوردن کارها هم آن ها تدویرها مکتوبی بدحجاج و ایجاد تبلیغ حوسن مکه، برانگیختن آیت الله خمینی در مقابل طرفداران فقه سنتی و بالاخره تاج نراسی در راه تلاش های دیپلماتیک برای متنازک جنگ و بحرانها در سازمان منظور اقدام به حملات زمینی و در نتیجه تسدید جنگ و عقب ماندن اینکارات سیاسی بود.

این سیاست میتواند ضمنی از مشکلات حکومت را موهنا حاره کند، بدینسان در شرایطی که ایران بمب و موشک بسر سپهرها مرموزی دارد و جنبه ها از اجساد جوانان نوسده است و مردم خانه نوزندگی خود را می کنند و برای نجات جان انسان بیکوه و صحرای مکرزند دیگر کسی از

کمبودهای غذایی و داروئی و کراسی و سگری و سیواری وضع ممکن سخن نمایی کوبدولی برای ملی کردن این مرحله، حکومت را بر اساس بد شیروها بی روی آورد کدسی از فروستی طوفان، بصورت مدعی سررکی در محنه های حواهد ما ندوکسانی کدا مرورا زسی نیرداستفاده می کنند معلوم نیست فردا بتوانند آن را مهار کنند یا از سید آن در امان باشند.



صاف روی سلسله ای رژیم دیگر هیچ جانی در هیچکس برسی انگرد، مردم از خودشان می پرسند که کی...؟ ما چند...؟ بحد قیامت این جنگ یعنی ما را ادا ما می کند و مولانا "هدف آن چیست؟"

در داخل رژیم سرخسین سنوالات برای بسیاری از کسانی که معنایات سیاسی و اداری و نظامی را با علم بطرح است.

در برابر معدودی از گردانندگان رژیم که بمنظور جلب اعتماد دهمینی و نگهداشتن مقام و منصب یا بخاطر حفظ منافع ممالی خود بر ادا هیچک تا کید می ورزند بسیاری از دست اندکاران با نگرانی بسیار به تاقیات این بازی موم می اندیشند.

آنها می دانند که جنگ ایران و عراق راه حل نظامی ندارد و سیاست خمینی و رهبرانشی که شما امکا مات مالمسی و انتعادی و نیروی انسانی کشور را در

خدمت جنگ قرار داده اند، تنها نتایج آن افزایش تلغات و خسارات و ناسوددی سپرها و تاسیسات افتعادی و مناسع تواند کشور در نتیجه نطقی و بیگاری و

معصیت هر چه بسر حواهد شود، به طوری که با ما با این کوفتن جنگ، اگر برای از زندگی باقی ماندند با عد، سال های سال طول خواهد کشید تا مردم از زنجیرهای زدن و اوردند در دست کمندوزندگی را سروری و براندهای جنگ از نویسانند.

هر چند که این گروه از دست اندکاران رژیم حواها با برار مخالف با سیاستهای جنگ طلبانه خمینی را ندارند و لیسسی اضطراب شنایی آن ها کی از عواملی است که اختلافات داخل حکومت را تسدید می کند.

این اختلافات در سال ۱۳۶۶ بین از سرش آسکار شد، به طوری که آیت الله خمینی سرانجام خود را ناگزیر دید که از جاکاد "داوری خرب" بر حیدر و علنا "از کرد و سدر و حواها تسداری کند.

کمیته های داخل رژیم از یک اختلاف نظر اساسی رسید می کردند در نهایت انقلابات و رویدادهای سده انقلابی جهان، خواه با خواه، برج نموده و بوجه صف آرائی و درگیری و نزاع و جدال همزمان بستن شده است.

مسأله اینست که بعد از زهراتلاب و نسی حکومت جدیدی کار می آید و طرز مکرر در بین حکومتگران سدا میشود، یک دست می گویند ما جنگی را آغاز کردیم و در آن فایده بدیم و اکنون با بد جنگ را تسداده بدانشیم و به مسائل دوران صلح دسترسیم، یعنی در فکر عادی سازی محیط، با زگرداندن روحیه اعتماد و همکاری در جامعه و ایجاد سیاست و امن و منظور کلی سردا حتی بد مسائل داخلی با سم سنا بدین ترتیب با سدهای حکومتیان بسسر محکم شود.

در مقابل، دستگیر می گویند اگر ما از شعارهای انقلابی دست بکشیم و به عادی ساختن اوضاع سدر رژیم حواهدا حسوا

که ما ایران را از زجر خود از جنگ، می توانید به کوشش های صلح طلبانه، نیروی اخافی مومری بدهید، بگوئید و هر وقت شوانستید، فریاد کنید که ما نمی خواهیم سیدیموسم. سعادت نهادت به شما و اعوان و انصاران ارزانی؟ مالمسی خواهیم زنده بمانیم - می خواهیم سده ها مان زنده بمانند و در آغوش محبت ما بزرگ شوند - می خواهیم با هم، این سپاهیان را در دیگر روز، تا وقتی طبیعت سرگردانهاست، ببینیم.

این را بدانید که حکومت آخوندها، در برابر اراده، یکمراجه و ابرارنده، شما را می جز تسلیم نخواهد داد و اطمینان داشته باشید که ما با این جنگ، سر آغاز زوال حکومت آخوند و طلیده، نوروزهای خوشبخت شما خواهد بود.

تجربه فلسطین

افسانه نیست که با "استدلالات افسانه ای" زیر پا گذاشته شود و نیز این فکر در جامعه بین المللی ریشه می گیرد که مخالفت با تشکیل یک کنفرانس جهانی که از سوی اسرائیل و جامعه جناح های افراطی بسا سرخستی دنبال میشود... و یا نادیده گرفتن سازمان آزادیبخش فلسطین که خواهنا خواه اکثریت هنگفتی از مسردم فلسطین را با خود در دوا ز رسمیت بین المللی نیز برخوردار است... نه فقط معضلی را حل نکرده بلکه دامنا مشکل روی مشکل نشانده است.

در این میان نقش حوادث اخیر در طرح مجدد مسئله فلسطین و این بار همراه با نشانه های از یک توجه جدی و جاندار در سطح جهان - به زمتگان کوچوباز در سرزمین های اشغالی حق میدهد که خود را کاشف کلیه معمای فلسطین بخوانند و به سهم خود بر این تجربه قدیم مضاه بگذارند که سر توفیق در تمام مبارزات ملی: "از خود ما بیه گذاشتن و بر مرکب خود راندن و سرانجام مقابل بلای رودر رو با حریف است" باید بدین فرمت که معضل ایران "اشغال شده" نیز تنها در این راه گشودنی است.

نقش کوشش های بیرون مرزی، بخصوص در مسیر بیداری بین المللی و انعکاس تقاضای مردمی که در فضای اختناق از ابراز طلب خود محرومند، انکارنا پذیر است ولی تجربه فلسطین یکبار دیگر برای این پیام مهترانید می گوید که سرانجام تلاشی از قلب ایران با بدت مشکل کشائی کند.

فهم این مسئله به درک ضرورت سازمان دهی درون مرزی می انجامد که میلیون ایران هر کجا که باشند در آن سهمی دارند.

"فیلم ها، رمان ها، تصویرها و نقل های موشروگاندار" زنده نگه داشته اند، یکسره خنثی کند.

می بینند و می شنوند که زیموسه می مقایسه میان اسرائیل و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی بی زمینه نیست. درک می کنند که حواهد خونخوار در سرزمین های اشغالی برده از تمالیات نژادی دست راستی ها بر میدارد و حواهدا حواهدا آشاران تمام ملت یهود را در بر می گیرد.

تظاهرات عظیم ورتلیم به تقبیح شیوه های فدانسانی ارتش و پلیس سرکوبگر اسرائیل در نوا و غزه و ساحل غربی رود اردن و اختلاف نظر در سازمان های یهودیان آمریکا و تمایل آشکارا به آزادی ها به یک راهیابی "منمعا نه" از جمله شواهدی است که از رویش واقع بینی در جهان و حتی در جوامع یهود و در همان حال از قوت این نظر حمایت می کند که حق مردم فلسطین به داشتن "وطن" و زندگی در سرزمین های آباء و اجدادی

آداب ایران است های بختی

سرانه اول
حاصل ۲۷۳۰ تا ۸۷۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت شهران: روی امواج کرنتیاه ریدهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) ۲۱۰ متر (فرکانس ۱۵۱۴ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۲۰ کیلوهرتز).
سرانه دوم
ساعت ۶ تا ۶:۵۵ روی امواج کرنتیاه ریدهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲:۵۵ به وقت شهران روی امواج کرنتیاه ریدهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).



سندسینه ۲۵ اسفند

بهرغم اعلام آتش بس در بمباران شهرها که از ساعت ۱۶/۳۰ بعد از ظهر جمعه آغاز شد، بدن بمباران هجوم تازه نیروهای جمهوری اسلامی در کردستان عراق که عملیات ظفر نام گرفت و سحرگاه یکشنبه آغاز شد، عراق از یکشنبه شب بمباران شهرها را از سر گرفت و طرف دروز گذشته ۱۳ موشک به تهران شلیک کرد. عراق اجابت یک موشک را به بغداد هدیه نشدند.

دو روز پیش گفته عراق شهرهای دزفول، ایلام، کرمانشاه، سرپل زهاب، شاه آباد، غرب و شوشتر بمباران شدند. جمهوری اسلامی علاوه بر این شهرها اعلام کرد شهرهای خرم آباد، ملایر، خمین، همدان، زنجان، رشت، بروجرد، رفسنجان و ایستگاه راه‌آهن تبریز بمباران کرد. در خلیج فارس از سوی عراق بمباران شدند. به گفته رژیم تهران در این بمباران ها حداقل ۲۱ تن به قتل رسیدند.

بگفته عراق در بمباران دوازدهم خیر بصره حداقل ۶۰ تن کشته شدند.

جمهوری اسلامی شب گذشته به عملیات جدیدی با عنوان والفجر ۱۰ در استان سلیمانیه عراق دست زد.

چهارشنبه ۲۶ اسفند

عراق اعلام کرد ۷ موشک به تهران شلیک کرده است. جمهوری اسلامی نیز از پرتاب ۵ موشک به بغداد گزارش داد.

شورای امنیت سازمان ملل طی بیانیهای با عبارات بسیار قاطع از جمهوری اسلامی عراق خواست به جنگ بویژه بمباران شهرها خاتمه دهند.

رادیو تهران اعلام کرد نیروهای جمهوری اسلامی در مرحله اول عملیات والفجر ۱۰ غیرخوردار واقع در استان سلیمانیه را اسفال کرده و شهر حلبچه را در محاصره دارند.

پنجشنبه ۲۷ اسفند

در حالی که جنگ شهرها ادامه دارد، بر سدت حملات به کشتی‌ها در خلیج فارس نیز افزوده شد. امروز قایق‌های تندرو جمهوری اسلامی یک نفتکش ۲۸۴ هزار تنی نیروی یک نفتکش سنگا بوری، یک نفتکش حمل گاز زبانا مانی را در خلیج فارس مورد حمله قرار دادند. در حمله به کشتی زبانا مانی یک سرتشکن زاپنسی کشته به قتل رسید.

جمهوری اسلامی اعلام کرد در ادامه عملیات والفجر ده شهرهای "دجله" و "خلیج" نیز به تصرف نیروهای جمهوری اسلامی درآمد.

امروز یک موشک به تهران اجابت کرد و شهرهای میانه، کرمانشاه، تبریز، دزفول، آذرشهر و شیراز بمباران شدند.

جمعه ۲۸ اسفند

امروز تهران ۷ بار هدف موشک قرار گرفت. جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد سه موشک به شهر موصل پرتاب کرده است.

شنبه ۲۹ اسفند

با شلیک دو موشک دیگر عراقی به تهران، تعداد موشک‌های عراقی که به ایران شلیک شده است به صد فروند رسید.

جمهوری اسلامی اعلام کرده هواپیماهای عراقی طرف ۳ روز گذشته شهر حلبچه و چند روستا را در اطراف آن با سلاح‌های شیمیایی بمباران کردند.

یکشنبه ۳۰ اسفند

به گفته منابع کتیرانی منطبقه نفتکش‌های ۳۱۶ هزار تنی "آوج" ۲۵۲ هزار تنی "سندج" که دیروز در جزیره خارک بوسیله هواپیماهای عراقی بمباران شدند، همچنان در آتش می‌سوزند.

قایق‌های تندرو جمهوری اسلامی یک نفتکش ۸۲ هزار تنی با نام مانی را هدف ۸ راکت قرار دادند.

هاشمی رفسنجانی توری توری را بخاطر آن که به عراق موشک‌های زمین به زمین داده است "فحیح" نامید و گفت مردم ایران هرگز این نماینده "گمناخی" را که "مسلم" تا تیرنا مطلوبی بر روی بد آینه شده، ایران و شوروی خواهد گذاشت، فراموش نخواهند کرد.

دوشنبه ۱ فروردین

حملات موشکی بمباران شهرها از سوی دوطرف ادامه دارد. تا امروز دو طرف ۲۲۸ موشک به شهرهای یکدیگر شلیک کرده‌اند.

به گزارش لویدز نفتکش‌های "آوج" و "سندج" همچنان در آتش می‌سوزند.

حداقل ۵۴ تن از خدمه این دو کشتی که از اهالی ایران، سوئد، نروژ و تایوان بودند، به قتل رسیدند.

عبیدزاکانی

یک منتقد اجتماعی زیر دست

برای منبر و عظمای بی وضو... مدهید، علمای سلف جا بوند استند.

با شیخان و نومالان و فالگیران و مرده‌شویان و کنگره زنان و شطرنج بازیان و دولت‌خوردگان و با زماندگسنان خاندان‌های قدیم و دیگر فلک زدگان صحبت مدارید.

از تئوری‌ها و فلسفه‌ها و عقاید و عقیده‌کنگسنان و جریخی‌آنانی که روزگاری... باشند و امروز دعوی زبردستی و پهلوانی و قتالی کنند و زبانی‌شان عسرا و مکرزنان و چشم‌خاسدان و کینه‌خویسان ایمن می‌شید.

تخم به حرام اندازید تا فرزندان شما فقیه و شیخ و مقرب سلطان باشند در چنین دوران فساد که راه‌چاره نیز بسته باشد هزل و هجا وسیله تنقی دل و گاهی تا زیان‌تنبیه اهل زمانه است و در آخرین پند این رساله با زبونی‌ها به این معنی اشاره می‌کنند که از این هزل‌ها و لطف‌یوسف غرضی عالی ندارد:

هزل را خوارمدا رید و هزالین را به چشم حقارت منگید.

تعریفات

رساله تعریفات نزدیک از آثار بدیع و دلکش عبیدزاکانی است. این رساله با سلوب لغت‌نامه‌ای تدوین یافته و متشکل برده فصل است بشرح ذیل:

۱ - درد دنیا و مافی‌ها ۲ - در ترکان و اصحاب ایشان ۳ - در قاضی و متعلقات آن ۴ - در مشایخ و ما یتملق بهم ۵ - در خواجگان و عادات ایشان ۶ - در ارباب پیشه و اصحاب مناسبات ۷ - در شراب و متعلقات آن ۸ - در سنگ و لواحق آن ۹ - در کدخدائی و ملحق‌کسالت آن ۱۰ - در حقیقت زنان و مردان

در این رساله نیز همچنان طعن و انتقاد دیر و وضع و احوال اجتماعی با لطف و زبانی خاصی دیده میشود. نکته‌هایی که عبیدزاکانی در بعضی از طبقات و اصناف اجتماع زمان خود نوشته اغلب امروز نیز گویا نام و عنوان بعضی از بنصب‌ها تغییر یافته در باره همان طبقات صادق است. اینک نمونه‌ای از تعریفات عبید:

القاضی - آن که همه را نگرین کنند، الوکیل - آن که حق باطل گرداند، العادل - آن که هرگز راست نگوید، الرئوس - کارساز بیچارگان، السعید - آن که هرگز زوی قاضی نبیند، الخطب - خر، المعلم - احمق، الواعظ - آن که بگوید و نکند، الندیم - خونا مدگسو، البرویا - مولانا شکلی که ملازم ترا و خوانین باشد، الشیخ - ابلیس، الخلیس - کلماتی که در باره دنیا گوید، الوسوسه - آنچه در باره آخرت گوید، الحاجی - آن که (سوگند) دروغ به کعبه خورد، البازاری - آن که از خدا نترسد، اللاف و الوفاحه - مایه خواجه‌گسنان، الامام - نماز فروش.

رساله ایست در مظاهر با عبارات شیوا و فصیح به سبک گلستان سعدی که موضوع آن مذمت ریش است. در ضمن این رساله حکایاتی لطیف نیز برسیل تمثیل آمده است که یکی از آنها بعنوان نمونه‌ای از فصاحت و شیواشی عبارات این رساله نقل می‌شود:

" آدم چون در بیست بود ریش نداشت، ملائکه او را سجده کردند. چون ریش بر آورد ملائکه هرگز ریش ندیده بودند. آقا زربخشند کردند، مسکین از آن تغافل از بیست بیرون جست و به صغری دنیا گویخت و بزمحت گرفتار شد.

بیت: گریس را بدی بجان درفشینسی

اهل بهشت راهمه دادی حدای رسن

رساله دلگشا

از بهترین و زیبا ترین آثار عبیدزاکانی است. این رساله مجموعه ایست از حکایات و نوا در لطف و دلگشایی که قسمتی از آن به عربی و قسمت بزرگ تر به فارسی است. حکایاتی که در این مجموعه گرد آمده بحدی جالب و زیباست که اکثر آن‌ها زبانه‌های فارسی زبانان و ملت‌های دیگر است که نفوذ فکری و ادبی ایران را پذیرفته‌اند. بسیاری از این حکایات به لطیفه‌گویی ما نند ملا نصرالدین و مثال او نسبت داده شده است. این حال حکایات معروف از زبان عبیدزاکانی در دوزیرا فصاحت بیان و شیواشی عبارات او خود زیباست تا زه‌ای به حکایت می‌بخشد که در روایات دیگر نمی‌توان یافت. از اسرار فصاحت عبیدزاکانی رساله یکی ایجاز است. هر حکایتی این جا به کمترین عباراتی که مفید معنی مقصود باشد بیان شده است.

عمران نامی را در قلم می‌زدند. یکی گفت چون عمر نیست چراش می‌زنند؟ گفتند عمرست و الف و نون عثمان هم دارد.

فروزی با سبزی بزرگ به جنگ ملاحظه رفته بود. از قلعه سنگی بسوی زندانبخشکند. برنجید و گفت: ای مسردک! کوری، سبزی بدین بزرگی نمی‌بینی سنگ بر سر من می‌زنی؟

فروزی را پسر در چاه افتاد. گفت جان با با جانی مرو تا من بیروم رسن بیارم و پرا بیرون کشم.

امروز که شمس‌ال آرتاریخ نوشتن این رساله می‌گذرد نیز نشی بدین روایتی و فصاحت و شیرینی که در خور فهم هر فارسی‌زبان باشد در آثار رسا صواب است. نمی‌توان یافت.

از حکایات این رساله علاوه بر همه این مزایا یافته‌ها دیگری حاصل می‌شود که در آن اینست که عبیدزاکانی از رجال و وزرگان زمان خود را از طبقات مختلف در این جا نام می‌برد و لطفی از ایشان نقل می‌کند و به این سبب می‌توان از اخلاق و آداب آن زمان اطلاعات دقیقی از زوی مطالب این رساله بدست آورد که در جای دیگر یافت نمی‌شود.

در این رساله نیز عبیدزاکانی حریفان خود را که خطیب و فقیه و قاضی و شیخ و و اعظم باشند فراموش نکرده و در نیش‌های دلخراشی به ایشان می‌زند. از میان مردم ولایات ایران بیشتر قزوقینی و سپس خراسانی را نمونه بدلاحت قرار داده و حکایاتی را که از آن‌ها نقل شده است اشعاف نقل می‌کند اغلب به ایشان نسبت می‌دهد.

انشای عبیدزاکانی که گفته شده در این حکایات عالی‌ترین نمونه شرف و ده موجز و بی تکلف است و هنوز بهترین سرمشق نویسندگان می‌تواند بود. از بیرون نقل چند حکایت در اینجا بسیا رسو مند بنظر میرسد:

خطیبی را گفتند مسلمانان چیست؟ گفت من مسردی خطیبم مرا با مسلمانان چکار؟

عسری شهری را به قزوقینی دادند. نماز دیگر خواجهای را گرفت که من عسرم ترا به زندان بیا بدم برون. گفت عسری بوزکسی را نگیرد. گفت شب ترا کجا بیا بدم؟ مردم در میان آمدند و او را منح کردند. گفت سهل است اگر گاری داری حالی با توبسازم. اما زمانی بده که تا شب بیستی من آتی.

طلحک را بر سیدند که دیوتی چه باشد؟ گفت این مسئله را از قاضیان بپرسید.

و اعطی بر منبری گفت هر که بدهد ای مست میرد و مست دهن شود مست سرا زگور بر آورد. خراسانی دربیای منسربود. گفت بخدا آن شرا بیست کدیگ تشه‌آن بسند

سحرگاه ۱ مروزیک نفتکش نیروی دریایی

فارس مورد حمله قایق‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت. حداقل ۲ تن از سرتشکنان آن کشته شدند، دیروز نیز یک نفتکش لیبیایی و یک کشتی باری آسیایی هدف حمله جمهوری اسلامی قرار گرفتند.

جمهوری اسلامی از دبیرکل سازمان ملل خواست هیئتی برای تحقیق بپرا مون کار بردسلاحهای شیمیایی در کردستان از سوی عراق به منطقه اعزام دارند. به گفته جمهوری اسلامی در بمباران شیمیایی در حلبچه و اطراف آن ۵ هزار تن کشته و ۵ هزار تن مجروح شدند و بیش از ۲۰ هزار کرد عراقی بدایران پناهنده شدند.

شنبه ۲ فروردین

گروهی از خبرنگاران خارجی از آثار بمباران‌های شیمیایی عراق در شهر حلبچه بازدید کردند و امروز تا ویدئو در دکان‌های این کشور را عظیم ز تلویزیونهای فرانسه پخش شد.

یک نفتکش ۱۶۸ هزار تنی یونانی مورد حمله قایق‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت.

چهارشنبه ۳ فروردین

دولت آمریکا کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق را محکوم کرد، کمیته بین‌المللی طبیب سرخ نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم کرد.

پنجشنبه ۴ فروردین

امروز ۶ موشک عراقی به فاصله دقیقه به تهران پرتاب شد که گزارش خبرنگار "بی بی سی" چند فروند از آنها در بقیه در صفحه ۱۱

دینار می‌آورد

شهرای در مسجدینکی بیعت خادم مسجد دورسید، با او از در سفاهت درآمد. شیرازی در آنجا که شل بود و گل و کور، نعره بکشید گفت ای مردک خدا در حق تو چندان لطف نکرده است که خود حق خاندان او چندین تنصب می‌کنی.

مولانا شرف‌الدین دامغانی بر در مسجدی میگذشت. خادم مسجدی را در مسجد پیچیده بود و میزد. سک فریاد میکرد. مولانا در مسجد بگشاد. سک بدر جست. خادم بیامولانا عتاب کرد. مولانا گفت ای پارسه دور در کنگه سنگ عقل ندارد، از بی عقلی در مسجد می‌آید. ما که عقل داریم هرگز ما را در مسجدی بینی.

شیخ شرف‌الدین در کربلا از مولانا عفا لدین پرسید که خدای تعالی شیخان را در قرآن کجا یاد کرده است. گفت پهلوی علما آنجا که میفرماید "قل هل یستوی الدین یعلمون و الدین لا یعلمون".

مجدالدین با زنی ما چرا می‌میکرد. زنی بیایست پیروید شکل بود گفت: خواجه که خدای چنین نکنند که تو می‌کنی. پس از من و تو لیل و نهار بی بودت گفت خاتون زحمت خودمده، پیش از من بودت اما پیش از تو نبوده‌است.

اولیثی با پسر خود ما چرا می‌گردد که هیچ کار نمی‌کنی و عمر در بطلت بسر می‌بری. چند با تو بگویم که معلق زدن کبیا موز، سگ و چغیر چه نیند و رسن با زنی تلم کناز عمر خود بر خوردا روشی، اگر از من نمیشد بخدا ترا در مدرسه اندازم تا آن علم برده‌ایک ایشان بیاموزی و دانشمندی و تا زنده باشی در مذلت و فلاکت و ادبار بمانی و یک جوا زهیج جا حاصل نتوانی کرد.

سلطان محمود را در حالت کرستی با دنان بورانی بس آورده. خوش آمد. گفت: با دنان طعم نیست خوش. ندیمی در مدح سادنان فطلی برداخت. چون سیر شد گفت با دنان سخت مغز چیزی است. ندیم بساز در مضرات با دنان مبالغتی کرد. سلطان گفت: ای مردک نه این زمان مدح می‌گفتی؟ گفت من ندیم توام نه ندیم با دنان. مرا چیزی با بدگفت که ترا خوش آید نه با دنان را.

فقیهی جا حظ را گفت که اگر یکی از بزرگهای حرم کعبه بدرون گش کسی افتد بخدا همی نالده تا او را بجای خود برگرداند. گفت نالده تا گلوش با ره شود. گفت ریگ را گلوشا شد. گفت سزا ز کجا نالده؟

حکایات عربی

حکایات عربی رساله دلگشا نیز بسیا ردلکش و زیباست و اینک برای نمونه ترجمه چند حکایت درج میشود:

عربی را گفتند پیر شدی و عمر خود بپردادی. توبه کن و حج بگذار. گفت بولی ندارم که به حج بروم. گفتند خانه‌ات را بفروش. گفت آنگاه اگر با زکرم کجا منزل کنم و اگر با زکرم و مجا و رکیبه شوم آیا خداوند نخواهد گفت که ای بس کردنی خورده چرا خانه خود را فروختی و آمدی در خانه من منزل کردی؟

مجوی را گفتند تفسیر "ان الله وانا الیه راجعون" چیست؟ گفت من تفسیر آن ندانم اما اینقدر دانم که در مهمانی و عروسی و مجلس آن رانمی خوانند.

مردی به با زار میرفت تا خری بخرد. مردی با رسید و گفت کجا میروی؟ گفت به با زار تا خری بخرم. گفت بگو انشاء الله. گفت چه جای انشاء الله است؟ خر در با زار در هم درآمد. چون به با زار در آمدند زدی بیار و زد نقدینه‌اش را در برد. چون با زنی گشت مرد پیش آمد و گفت از کجا می‌آئی؟ گفت از با زار انشاء الله. بولسرا در دیدند انشاء الله. خر خریدم انشاء الله. ما که موزبان دده‌بخا ته میروم انشاء الله.

(از مجله سخن - شماره دیماه ۱۳۶۵)

بیتابه از صفحه ۱

کودتای ۱۹۵۲ در ایران

کودتای ۲۸ مرداد ایران که با پشتیبانی آمریکا به وقوع پیوسته امروزه مدتی از زمان آن می گذرد بصورت یک واقعه بحرانی در تاریخ بعد از جنگ جهانی بخودگرفته است. حکومت نخست وزیر محمد مصدق که به وسیله کودتا و از گون شدن آخرین حکومت مردمی و ناظر بر مردمکراسی بود که در ایران بوجود آمده بود که جایی آن را گرفت یک رژیم دیکتاتور بود که همه انواع فعالیت های سیاسی مردمی را از میان برد و فشارها را بوجود آورد که به پیدایش انقلاب سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ منجر گردید. اگر مصدق برانداخته نشده بود انقلاب احتمالا روی نمی داد. کودتای ۲۸ مرداد در عین حال اولین اقدامی بود که آمریکا در زمان صلح برای از گون کردن یک دولت خارجی بعمل آورد. این اقدام سابقه مهمی برای رویدادهای از قبیل ایجاد کودتای سال ۱۹۵۴ در گواتمالا و برانداختن سالوادور آلنده در شیلی بدست داد. همچنین سلطنت همین کودتا بود که آمریکا در انقلاب ایران هدف عمده حملات ایران قرار گرفت.

هر چند کودتای ۱۹۵۲ یک واقعه مهم تاریخی بود ولی شرح آن بطور کامل گفته نشده است. روایتی که پیش از همه درباره آن بخش شده روایت کریمیت روزولت یعنی مای مورسی و مسئول اجرای کودتا است که به بیساری اشتباهات و نواقص در آن وجود دارد.

موضوع این گزارش روشن کردن نقش آمریکا و انگلستان در اجرای این کودتا است. پژوهش ما متکی بر اسناد دیپلماتیک است که اخیرا آزاد شده است و همچنین بنا بر مباحثه با اکثر اشخاصی که در اجرای نقشه درگوشه مزیور سهم موثری داشته اند. (۱) این روایت از روایت روزولت و همچنین از آنچه تا کنون بقلم دیگران منتشر شده کاملاً متراست. بعلاوه از آنجا که ما همواره شخصیت های عمده آمریکا و انگلیس که در این جریان وارد بوده و اکنون زنده اند و ما دکی گفتگو در این باب را در دسترس داریم و نیز همه اسناد دیپلماتیک آمریکا و انگلیس مربوط به کودتا را که در حال حاضر در دست است بررسی کرده ایم عقیده داریم که با این پژوهش احتمالا تا مدتی کاملاً متراست گزارش داخل است آمریکا و انگلستان در کودتای مورد بحث خواهد بود.

در این گزارش ما سه سوال عمده مطرح می کنیم: چرا آمریکا خود را در کودتا درگیر کرد؟ ثانیاً انگلستان و ایران تانی که در کودتا دخیل بودند چه نقشی داشتند؟ ثالثاً نقش آمریکا در برانداختن مصدق چقدر اهمیت داشت؟

هر چند به هیچ یک از این سؤالات نمی توان جواب قطعی داد ولی محتویات این گزارش موضوع هر یک از آن ها را به مقدار قابل ملاحظه ای روشن خواهد کرد.

بجزان نفت انگلیس و ایران و سیاست انگلیس نسبت به ایران

در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۵۱ محمدرضا شاه پهلوی در برابر موجی از فشار مردم تسلیم شد و محمد مصدق را به سمت نخست وزیر جیدید ایران منصوب کرد. مصدق حقوق دان و ملایک ثروتمندی بود که از اوایل قرن بیستم در سیاست ایران مقام برجسته ای داشت. او طی سال های درازی که به خدمات عمومی اشتغال داشت به عنوان یک دموکرات لیبرال و ناسیونالیست پرورش یافته یافت. طی دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ ثابت کرد که شخصیت او تجسم دودهد عمده است: یکی انتقال قدرت سیاسی از دربار به مجلس و یکی افزایش کنترل ایران بر صنعت نفت خود. که در دست شرکت نفت انگلیس قرار داشت.

در او خرداد ۴۰ این دو مسئله روز بروز در سرتاسر ایران بیشتر اهمیت پیدا می کردند و بعلاوه با هم بطورزی چشم گیر مربوط شده بودند. انگلیسی ها به علت تسلطی که بر صنعت نفت داشتند قدرت فوق العاده ای در ایران پیدا کردند و قدرتش را تا حدی برای کمک به شاهیکر می بردند. شاه هم در نظر بسیاری مردم آلت دست انگلیسی ها محسوب می شد. بخصوص چون از تجدید نظر در امتیاز نفت انگلیس یا ملی کردن نفت امتناع کرده بود. در سال ۱۹۴۹ این دو مسئله همه موضوع های درگیری را تحت الشعاع قرار داد. به این معنی که از طرفی مسئله تنظیم یک قرارداد جدید نفت به نفع شرکت انگلیس مطرح شد و از طرفی شاه خواست انتخابات مجلس شانزدهم را طبق آرا ده قانون انجام دهد. این موضوع ها خشم مخالفان شاه را شعله ور کرد. تظاهرات دامنه داری صورت گرفت و زمان بی نهایتی به نام جبهه ملی برای متشکل کردن مخالفت با شاه و انگلیسی ها به وجود آمده و مصدق به عنوان رهبر با لفظ آن سازمان شناخته شد.

جبهه ملی ائتلاف گونهای بود از گروه ها و احزاب سیاسی که بطور کلی اتکاء به طبقات متوسط و پائین تر شهری داشتند. عوامل ترکیب دهنده آن عبارت بودند از: حزب پیشرو و ناسیونالیست ایران که کریم سنجابی و اللهبیا رمالج آن را رهبری می کردند و بیشتر اعضای آن انتلکتوئل های چپ گرا ولی مدثوروی بودند. ثانیاً حزب زحمتکشان که مظفریقانی و خلیل طکی آن را رهبری می کردند و اعضای آن هم از گران بودند هم از انتلکتوئل های چپ گرا و ثالثاً مجاهدین اسلام که آیت الله ابوالقاسم کاشانی آن را رهبری می کرد و اعضای آن کارگران و بیازاری ها و فراد معمولی طبقه روحانیون بودند. حزب پان ایرانیسم که یک گروه نامشخص ناسیونالیست افراطی بود و اعضای آن بیشتر از طبقه پائین و آشوبگر بودند با جبهه ملی بستگی داشت

بی آن که رسماً جزو آن باشد. همچنین تعداد زیادی افراد غیر وابسته بخصوص از طبقات متوسط به جبهه ملی علاقه مند بودند. دو جمعیت از مخالفان که با جبهه ملی بستگی نداشتند یکی حزب کمونیست بود و یکی فدائیان اسلام.

در سال ۱۹۵۰ جبهه ملی کرارا تظاهرات علیه شاه و انگلیسی ها ترتیب داد و همچنین توانست هشت نفر از اعضای خود از جمله مصدق را به نمایندگی به مجلس شاه نرود هم بفرستد. نمایندگان جبهه وقت بر کرسی وکالت نشستند فقط لیشتان را برای محدود کردن اختیارات شاه و بعد از زماه ژوئن ۱۹۵۰ برای ملی کردن صنعت نفت دنبال کردند. در ماه مارس ۱۹۵۱ مصدق لایحه ای بسرای ملی کردن صنعت نفت به مجلس تسلیم نمود این لایحه به فوریت تصویب شد مصدق به زودی به سمت نخست وزیر منصوب گردید. در تاریخ اول مه ۱۹۵۱ مصدق بلافاصله بعد از حراز مقام نخست وزیری لایحه ملی شدن رابیه صورت قانون در آورد.

ملی کردن نفت به زودی مصدق را با دولت انگلیس که مالک ۵۰ درصد سهام شرکت نفت بود و حاضر نبود ملی شدن نفت را قبول کند مستقیماً روبرو کرد. طی ماه های بعد انگلیسی ها یک سیاست سه جانبه پیش گرفتند. با ایسن قصد که تسلط خود بر صنعت نفت را احیا کنند با به این وسیله که مصدق را تحت فشار وادار به قبول ترتیبی که موافق با منافع شرکت باشد کنند و او را از مقام نخست وزیری براندازند. قسمت اول این سیاست توسل به یک سلسله اقدامات حقوقی بود شرکت از بیگانگان دادگستری بین المللی تقاضای داری کرد. یک هیئت برای مذاکره به تهران فرستاده شد این هیئت ضمن تصدیق اصل ملی شدن پیشنهادی طرح کرد به این مضمون که عرضه کردن نفت ایران در بازارهای جهان به شرکت نفت انگلیس واگذار و منافع فروش با لسانفیه بین طرفین تقسیم شود. مصدق این پیشنهاد را در ماه ژوئن رد کرد. بعد از مذاکرات با هیئت دیگری که به سه ریاست رنچا و استوکس به تهران رفت تجدید شد.

پیشنهاد استوکس فرق زیادی با پیشنهاد قبلی انگلیسی ها نداشت و مصدق زودان را رد کرد. بعد از آن انگلیسی ها دیگر نخواستند مستقیماً با مصدق مذاکره کنند و در عوض بنا بر ابرام جبهه بی دیوان دادگستری و سازمان ملل و سایر آمریکا گذاشتند.

قسمت دوم سیاست انگلیس ناظر بر تضعیف وضع مصدق بود با توسل به درویش یکی وارد آوردن فشارهای اقتصادی بر ایران و دیگر اجرای عملیات نظامی در منطقه خلیس فارس.

شرکت نفت در ماه مه تولید را تقلیل داد و به نفتکش های که برای گرفتن نفت به آبادان می رفتند دستور داد بازرگاری بکنند. در پایان ماه ژوئیه این اقدامات صورت یک محاصره کامل پیدا کرده بود که با شرکت های نفت هم به آن پیوستند. دولت انگلیس در اواسط ماه مه یک نیروی نظامی به قبرس فرستاد و کشتی جنگی موریشوس را زام آبادان شد. در برابر این پیش آمده ها مصدق اظهار کرد که ولین تیری که رهبر آشوبگران شروع جنگ سوم جهانی خواهد بود.

به دنبال شکست مذاکرات استوکس، شرکت نفت اعلان کرد که علیه هر کسی که از ایران نفت بخرد اقدامات قانونی بعمل خواهد آورد. دولت انگلیس از متفقین اروپایی خود خواست که اشیا عشان را از قبول استفاده مدر شرکت جدیداً امتناع کنند و ایران منصرف کنند. در اوایل سپتامبر مصدق و هنر و فولاد و قند و لوازم صنعت نفت و کالاهای که در برابر دلار به فروش می رسید از انگلستان به ایران ممنوع شد. شرکت بیست هزار نفر از کارگران آبادان را بیکار کرد و مصدق مجبور شد در اخت دستمزد آن ها را از زمل بودجه دولت تاءمین کند. امتیازاتی که برای تسعیر لیره به دولت ایران داده شده بود نسخ و تضییقات مالی دیگری نسبت به ایران اجرا شد که مقررات موافقت نامه منعقد بین دولتین را نقض می کرد. چهار کشتی جنگی انگلیس در ماه سپتامبر به موریشوس ملحق شدند و شروع به تمرینات تیراندازی در مجاورت آبادان نمودند قوای زمینی و هوایی انگلیس در منطقه تقویت شد.

قسمت سوم سیاست انگلیس گوش در برانداختن مصدق بود. روش عمده ای که آن ها اتخاذ کردند دست زدن به عملیات سیاسی مخفیانه ای بود که به کمک یک شبکه از سیاستمداران، بازرگانان، افسران و روحانیون طرفدار انگلیس صورت می گرفت. افراد عمده این شبکه در آن رشیدیان بودند که از اوایل دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۰ عامل اصلی سیاست انگلیس بودند. قسمت مهم دیگر در شبکه انگلیسی از سیاستمداران برجسته طرفدار انگلیس تشکیل می شد. سیدضیاء طباطبائی که انگلیسی ها خواستند او را نخست وزیر کنند و جمال امامی که رهبری یک فراکسیون طرفدار انگلیس در مجلس را داشت جزو آنها بودند.

انگلیسی ها حتی پیش از انتخاب مصدق به شاه فشار آوردند که سیدضیاء را نخست وزیر کنند. شاه ظاهراً موافق بود و می گویند در همان وقت که مجلس به مصدق رای تمایل می داد و با سیدضیاء مذاکره می کرده. این گوش ها بعد از انتخاب مصدق هم ادامه یافت. در ماه ژوئن ۱۹۵۱ چرچیل و بدن رهبران اقلیت پارلمانی حزب محافظه کار آمریکا به منظور برانداختن مصدق ناماً "شاه تماش بگیرند و گفتند این کار به وسیله کودتا انجام پذیر است. در همان تاریخ طرح عملیات مخفیانه تنظیم شد. و برانداختن مصدق بعنوان "هدف شماره یک" تعیین شده بود. یک نکته عجیب اینست که در این هنگام چندین نفر از اعضای پارلمان انگلیس به نفع احمدقوام با وزارت خارجه تماس گرفتند. قوام یکی از سیاستمداران معمر ایران و نخست وزیر سابق بود. اما وزارت خارجه در جواب اظهار کرد که "ما نقشه های دیگری در نظر داریم و می خواهیم بولمان را روی اسب دیگری بگذازیم"

منظور از "اسب دیگر" شخص سیدضیاء بود. در تمام تابستان ۱۹۵۱ فشارهایی بر شاه اعمال شد که مصدق را برادر او هم حرفی نداشت (۲) ولی دچار فلج بی تصمیمی بود. بعد از شکست میسیون استوکس، همه گونده و ساسل ممکن برای برانداختن مصدق به کار برده شد. استوکس بلافاصله بعد از قطع مذاکرات به دیدن شاه رفت و محرراً درخواست کرد که مصدق را معزول کند. معاون دائمی وزارت خارجه انگلیس پیشنهاد کرد که یک اقدام غیر مستقیم و پشت پرده برای ساقط کردن مصدق به عمل آید و تذکره داد که مخالفت با مصدق در مجلس به میزان تشویق آمیزی افزایش یافته است. منظوراً و اسناره به گوش های بود که جمال امامی و فراکسیون او برای متشنج کردن مجلس به عمل می آوردند. وزارت خارجه را هنگامی تدوین کرد برای تعیین این که وقتش می باشد یا نه (که تصور می کرد سیدضیاء خواهد بود) منصوب شود چگونگی باید عمل کرد. یک قسمت از برناممه پیش بینی شده این بود که شرکت نفت انگلیس و می خواهد داد سیدضیاء با ترتیبی موافقت خواهد کرد که وضع شرکت نفت انگلیس تحت نام دیگری اعاده شود. وزیر سوخت و نیرو با خوش بینی تصور می کرد که انگلستان با بکار بردن این وسایل خواهد توانست از ملی شدن کا مل نفت درست به موقع جلوگیری کند.

در اوایل سپتامبر سرفرانسیس شپرد، سفیر انگلیس در تهران، این گوش ها را یک قدم جلوتر برد. او گزارش داد که شاه با تغییر دولت موافق است و مخالفان مصدق در شرف برانداختن او هستند. آنگاه وزارت خارجه اعلام کرد که مذاکرات نفت را متوقف کرده است و امیدوارند که به این که بتوانند با مصدق توافق کنند. منظور از این اظهار تشویق گروه مخالفان مصدق تحت رهبری سیدضیاء بود. مصدق وقتی از آن مطلع شد دولت انگلیس را متهم کرد به این که دست به اقداماتی برای برانداختن او زده است (۳)

دولت انگلیس همراه با عملیاتی که در بالا شرح داده شد یک سلسله اقدامات جدید در زمینه فشار رهبری اقتصادی و عملیات نظامی معمول داشت. دولت آمریکا قویاً اعتراض کرد به سیاستمداران آمریکا عقیده داشتند که مصدق می خواهد به توافقی برسد و به انگلیسی ها توصیه می کردند که به مذاکره ادامه دهند. اما انگلیسی ها برعکس تصمیم گرفتند که فشار بر مصدق را تشدید کنند. بعد از آن که در تاریخ ۲۰ سپتامبر کارکنان انگلیس از مناطق نفت خیز خارج شدند، انگلیسی ها نقشه های طرح کردند که به آبادان حمله کنند و فرما شده بحریه ایران در آبادان را حاضر کردند که فقط یک مقام و سمبولیک نشان دهد. اتکس نخست وزیر، شرومن رئیس جمهور از این نقشه آگاه کرد. اما شرومن در جواب اظهار کرد که آمریکا از اقدام به حمله پشتیبانی نخواهد کرد و لایحه توصیه کردند که مذاکرات متعقب شود. بنا بر این املی مجبور شد به هیئت وزیران گزارش دهد که: "با توجه به نظریه دولت آمریکا به عقیده او اعمال زور برای نگاه داشتن کارکنان انگلیسی در آبادان مقتضی نخواهد بود."

نویسنده درخواستی می گوید موضوع نقشه حمله به آبادان و تطبیع فرما شده بحریه آبادان برای عدم مقاومت را یک ماه مورسوس جاسوسی انگلیس ام آی ۶ که در جریان وقایع دخیل بود طی یک محاصره در نگاه ژانویه ۱۹۵۰ برای او نقل کرده است. انگلیسی ها در نتیجه مخالفت آمریکا اقدامات تشان را برای برانداختن مصدق در آن زمان متوقف کردند. بعد از اختلاف نفت در سازمان ملل مطرح شد مصدق هنگام سفر به آمریکا مورد استقبال گرم ما موران دولت آمریکا قرار گرفت و شخصیت های بین المللی هم در پی فوق العاده نسبت به او نشان دادند. انگلیسی ها وقتی دیدند که نتوانسته اند تا کنون ملی شدن را بکنند و نه مصدق را براندازند و تا نون ملی شدن جبهه برای نخست وزیری داشتند مطلقاً زمینه ای نداشتند. در ماه آوریل ۱۹۵۰ به مکانی دیگری در مرکز عمل خود در آبادان توجه کردند. یک امکان به زودی پیش آمده احمدقوام که در اوایل سال ۱۹۵۱ برای نخست وزیری دست و پا کرده ولی توفیق نیافته بود. در اوایل سال و اوایل سال بعد چندین واسطه نزد انگلیسی ها فرستاد. در ماه مارس ۱۹۵۲ جولیان امبری عضو پارلمان و محافظه کار که تجربه فوق العاده ای در خاور نزدیک داشت، به طور غیررسمی به پارلیس فرستاده شد که با قوام ملاقات کند. سپس قوام به تهران مراجعت کرد تا برای نامزدی خود زمینه فراهم کند و صورتی از آسای می اشخاصی که ممکن بود به وزارت منصوب شوند تهیه و برای تصویب به انگلیسی تسلیم کرد. انگلیسی ها برای کمک به قوام ترتیب دادند که وکلای طرفدار انگلیس در مجلس از او پشتیبانی کنند و طرح قرار دادی هم که به اختلاف نفت خا تعه می داد برای او تهیه کردند. قوام به میلتن کاردار سفارت در تهران اظهار کرد که: "من اعاده روابط صمیمانه و تاریخی ایران و انگلستان را تا من خواهم کرد و منی خواهم انگلیسی ها دوباره در صنعت نفت همکار شوند و انگلیسی ها باید به ایران برگردند و من علیه آنها نیستم. قوام در اوایل ژوئن با هندیسن سفیر آمریکا ملاقات کرد. هندیسن عقیده داشت که او ممکن است جانشین مناسبی برای مصدق باشد ولی مقامات وزارت خارجه چندان علاقه ای به او نداشتند.

در این موقع انگلیسی ها شروع کرده بودند بطور مخفی گوش های بی وسیله رشیدیان را به عمل آوردند تا بین سران جبهه ملی اختلاف بیندازند. در ماه مارس ۱۹۵۲ علائم تفرقه به این صورت ظاهر شد که مصدق علناً اظهار کرد که گاشانی در انتخابات مجلس هفدهم دخالت می کند. همچنین معلوم شد که مصدق با حسین مکی یکی دیگر از اعضای مهم جبهه ملی اختلاف پیدا کرده است. زابین زهنر استاد دانشگاه آکسفورد که در ایران برای سرویس جاسوسی انگلیسی ام آی ۶ کار می کرد، اظهار



اندر بلای سخت...

انسان، به هنگام مرور روزهای دشوار تاریخ ایران، در این اندیشه می‌رفت که مصیبت‌ها و سختی‌ها این اثر را نیز داشت که بر نیروهای راکد مانده در اعماق جان ملت ما نهیب‌ها زدوان هسار را برانگیخت تا خود را به عنوان ارزشی تاریخی نشان دهند. راستی را اگر توفان حوادث هولناک نبود، چگونه ما ملت می‌توانستیم ثابت کنیم این راکد کتاب فشا را و سختی‌ها را داریم؟ رودکی از روی هوس نبود که گفت:

اندر بلای سخت پدید آرند
فضل و بزرگ‌مردی و سالاری
و حافظ از روی حکمتی بود که سرود:

نا زپروود تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.
گلمرگ نا زکی که در گرما نه برورده شده
است، طاقت یک لحظه آن با ده‌های
سهمناکی را ندارد که در بیابان سر
شاخه‌های سخت جانی می‌وزد که سرخم
می‌کنند ولی نمی‌شکنند. بر ما ایرانیان
در طول تاریخ با دهای سهمناکی وزیده
است، شا بد لحظه‌ای سرخم کردیم، ولی
فقط برای آن که پس از فرونشست
توفان، سر بلندتر در مسیر با دبایستیم.
مانند کار بودن و جان از بلاهای سخت در
بردن را ما ایرانیان مدیون آنیم که

در سرشت ما آمیزه‌ای از تحمل و طاقت، و فداکاری و جسارت که گاه به‌جا نیازی می‌کشد وجود دارد. گوئی هنگامی که می‌باست در کمین نشست و صبر پیشه کرد، دستی به ما اشاره می‌کنند که بنشین، و زمانی که با یادرخواست و با هم میدان نهاد، دستی دیگر به ما فرمان می‌دهد که برخیز. یک روز با سعدی می‌خوانیم که:

سعدی با حب وطن گرچه حدیثی است درست
نتوان ما ندید سختی که من اینجا زادم
اما روزی دیگر، برای دفاع از شرافت و آبروی خود در دهان شیر می‌رویم، دوباره با سعدی می‌خوانیم:

آن نه من باشم که روز جنگ بینی پشت من
آن منم گردم میان خاک و خون بینی‌سری
این دوگانگی در سخن سعدی از کجاست؟ چرا یک روز با یادرکنی‌های قدرت راکد از بخت بدبر میهن مسلط شده‌اند، به حال خود گذاشت و روزی دیگر به خاطر همان میهن سردمیان خاک و خون انداخت؟ آیا دوگانگی سخن سعدی از دوگانگی موقعیت نیست؟ چرا، چنین است. او یک بار بهای ایران را اندر زمی دهد به خاطر جاه طلبی‌ها و آژمنتدیهایی مثنی ابله خود را به کشتن ندهند، و بار دیگر، هنگامی که پای حیثیت و ماندگاری ایران در میان است، برای سرهای کیهن می‌ارزند،

جاشی بهتر از میان خاک و خون نمی‌بینند. ایران در طول تاریخ خود با رها بر خاک افتاد، ولی این بر خاک افتادگی موجب خواری او نشد، چرا که از هر افتادگی برای گرد آوردن نیروی به منظور دوباره برخاستن سودبر گرفت. و هر بار که دوباره از خاک برخاست، گردن فرا زومغور و سواره خود ادامه داد.

ملت ایران را، مانند هر ملت دیگری، می‌توان فریب داد، ولی نمی‌توان آن را مرکب را هواری ساخت که برای همیشه به قدرتمندان سواری دهد.

خمینی کیست؟ ملت ایران حتی زیر بار نادرها ترفته است. نادر، هنگامی که برچمدار رجستان سرکشگی‌ها و حقا رت‌های ناشی از فرا روشکست از برتا را جگران افغان بود، در دل ایرانیان جای داشت، ولی هنگامی که از زبانه قدرت چندان نوشید که به معنای درست کلمه دیوانه شد، از چشم ایرانیان افتاد.

ایرانی، زما مداران خود را برای ایران می‌خواهد، نه ایران را برای آن‌ها. ایرانی دریای تحمل است. لیکن به خروش هم می‌آید. و مصیبت، دل‌های ایرانیان را سخت به هم نزدیک می‌سازد. و امروز مصیبت است. با این همه ایرانی در مصیبت نیز نما دهای بزرگی و با پیداری خود را از یاد نمی‌سازد. از اینروست که نوروز، در جنگ خانما نسوز نیز نوروز است.

خودکام‌های که امروز بر ایران حکم رواست، نمی‌دانند که ایرانیان خسته تنها دیکر را و دوست‌نند آرند، به او نفرت می‌ورزند.

ولی خودکام‌هایی که می‌خواهد ایرانیان را دوست داشته باشد، می‌خواهد دیکر را دوست نداشته باشد. از این رو مناسب‌ترین یا سختی‌هایی که می‌توان به او داد، این است که دیکر را بیشتر از همیشه، دوست داشته باشیم.

سیاسکزاری

در ایام نوروز نما دهای بسیاری از خوانندگان عزیزمان در باب داشتیم که فرا رسیدن نوروز را بنویسند که قیام ایران تشریک گفته اند و ما را در ادامه راهی که درسی گرفتاریم تسویق کرده‌اند.

تصدیق می‌فرمائید که ما سخ دادن به یکایک ما همه ما را از آنجا موطاسف اطلی ما را باز مبدار، در نتیجه، با اغتننا م فرصت، مرا تب سالی صمما نه! کلید نویسنده‌گان قیام ایران را بخشور این دوستان ارجمند سر به، تقدیم می‌داریم و آرزوی کنیم که مسوروزهای فارغ از اندوهی که در این نوروز جان و جسممان را آزرده و همجان می‌آزارد، داشته باشیم.



چون دیگری یکا می‌برای فعالیت در ایران نداشتند مجبور شدند ارتباط با ممدق را به امریکائی‌ها واگذار کنند.

۱ - نویسنده در حواشی کتاب توضیح می‌دهد که از رشپو ملی امریکا و مرکز اسناد دموکراسی انگلستان استناد کرده و با همه ما موران سیاه که در کودتا دخالت داشته‌اند بجز یک نفر که خرابه مذاکره نشده و با دوفرا انگلیسی‌هایی که در جای کودتا شریک بوده‌اند، و با دومان وزیر خارجه امریکا که در سالهای مور دبحث مسؤل امور خارجه نزدیک بوده‌اند مصاحبه کرده است. این مصاحبه‌ها بین تابستان سال ۱۹۸۲ و تابستان سال ۱۹۸۵ صورت گرفته است.

۲ - نویسنده در حواشی می‌گوید مدرک این اظهارات گزارش‌های رسمی سفارت انگلیس به وزارت خارجه است که جریان مذاکره با شاه را در تاریخ‌های ۳۰ ژوئن و ۲ ژوئیه و ۱۶ ژوئیه و ۵ اوت شرح می‌دهند.

۳ - نویسنده در حواشی می‌گوید که استوکس به گزارش‌های سخت حمله کرد و طی یادداشتی به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۵۱ اینگونه اظهار نظر کرد که "اتلاف وقت با بحث درباره پیرمردهایی که از اعتبار افتاده‌اند (یعنی سیدضیاء) ما را به جای نخواستار هدایت" علاوه بر تاریخ ۱۷ سپتامبر شاه اظهار کرده بود که در آن موقع تغییر ممدق عملی نخواهد بود. نویسنده می‌گوید جای تعجب نیست که به فاصله کمی بعد محل ما موریت شپرد تغییر کرد.

۴ - نقل از حواشی با استناد به نامه هندیسن به اجپس به تاریخ ۲۸ سپتامبر و اسناد دیکر مورخ ۱۴ و ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲: در این هنگام گاشانی با توده‌ای ها دسیسه‌ساز کرد. رهبران توده طی یک جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در مساه سنا میرتعه برگزار شد که گاشانی قول بدهد که مستشاران نظار امریکائی را اخراج کند و کنسولگری‌های امریکارا در ایران ببیند و رفت و آمد امریکائی‌ها را در شمال ایران محدود کند و سایر انتصاب به نخست‌وزیری کمک کنند. همچنین گفته شده است که گاشانی از توده پول گرفت.

در تاریخ ۱۲ اکتبر سیدضیاء به یکی از عمای سفارت انگلیس گفت که گاشانی از راه‌های پشتیبانی می‌کند با این قصد که با لامل او را برکنار کند و خود جا پیش را بگیرد.

۵ - نقل از حواشی: طبق گزارشی از رشپو دولتی امریکا به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۵۱ تحت عنوان: "دسیسه‌های بین ایل بختیاری" انگلستان از ابتدای قرن بیستم ارتباط نزدیکی با بیشتر خوانین بختیاری برقرار کرده بود و به آن‌ها پول می‌داد برای آن که مناطق نفت خیز را حفظ کنند. با لقا سم بختیاری طرفدار انگلیس نبود بلکه انگلیسی‌ها و همکاران بختیاری آن‌ها و او را آشوبگر می‌دانستند چون افراد ایل را علیه خوانین دیکر تحریک می‌کرد.

(بقیه در شماره آینده)

بود. انگلیسی‌ها او را در سال ۱۹۴۱ به علت فعالیت علیه نیروهای متفقین با زدا شد کرده بودند او در کا بینه ممدق وزیر بود و تا هنگام شورش ماه ژوئیه از جبهه ملی پشتیبانی می‌کرد. ولی در آن موقع به علت تجدید فعالیت توده و از هم‌پاشیدگی ارتش به صاف مخالفان بیوست.

کمی بعد از ۲۱ ژوئیه که ممدق دوباره به نخست‌وزیری منصوب شد او ورشیدیان را شروع به توطئه علیه ممدق نمودند. یک نما بینه ظرف گاشانی همراه با مکی و بقاشی و حاجی بریزاده، از رهبران جبهه ملی، با زاهدی تماس گرفتند و از ممدق اظهار رضای کردند. ظاهراً زاهدی پشتیبانی گاشانی را در ازای این وعده بدست آورده‌ها و در تشریحین وزیران کا بینه بعد از کودتا سپهرم خواهد کرد. از این مرحله به بعد گاشانی و یکی و بقاشی خوا بریزاده بطور غیر منظم با زاهدی علیه ممدق همکاری کردند و در صاف سر سخت ترین مخالفان ممدق قرار گرفتند. ظاهراً زاهدی با یکی از عمای سفارت انگلیس ملاقات کرد و اظهار کرد که با توده نفوذ امریکسا در ایران مخالف است. عضو موزیر و وسیله تلگراف از لندن دستور خواست و زاهدی که در آن وقت ممدق در رشیدیان را در دست اندر کار بیک کودتا کنیم و بعد ممدق شوم دستور را نقض کنیم. (۴)

زاهدی در ماه‌های اوت و سپتامبر به زمینه‌سازی برای خود برداخت و با لقا سم بختیاری راکه از خوانین بود و در زمان جنگ بین المملی دوم با او به نفع نازی‌ها کار کرده بود با خود همراه کرد. زاهدی با میدلتن ملاقات کرد و توافقاً کرد که انگلیسی‌ها به او اطمینان بدهند که با او مخالفت نخواهند کرد و موافقت امریکارا با نقشه توطئه او جلب خواهد کرد و در مورد دخل اختلاف نفت هم شرایطی شبیه آنچه برای قوام قائل شده بود تدرجی او منظور خواهد نمود. میدلتن موضوع را به لندن مخابره کرد و از لندن به او دستور داده شد که به زاهدی کمک کند. سرویس جاسوسی ام. ای. ۶ انگلیس تسلیحات برای بختیاری‌ها فرستاد. میدلتن با هندیسن سفیر امریکا گفتگو کرد و دولتی سفیر دربار زاهدی تعهدی ننمود در تاریخ ۸ سپتامبر زاهدی با یک همکار نزدیک او هم هندیسن ملاقات کرد و اظهار نمود که ممدق نمی‌تواند جلو کمونیست‌ها را بگیرد اما حکومت دیگری که قاربه این کار هست بزودی بر سر کار خواهد آمد (۵). ممدق هم‌انطور که از کارهای قوام مطلع شده بود، از نقشه‌های زاهدی هم‌آگاه شد و اقدام کرد که پیش از اجرای نقشه‌های موزیر جلوی فعالیت زاهدی را بگیرد. در تاریخ ۱۲ اکتبر دستور با زدا شد برادران رشیدیان و سرلشکر عبدالعسین حاج‌زای ما در شد، حاج‌زای همکاران زاهدی بود که در ماه اوت از ریاست دانشگاه نظامی معزول شده بود. ضمناً سرلشکر آریانا هم در رابطه با توطئه از ارتش برکنار شد و زاهدی فقط درینا هم مومنیست پارلمانی از زدا شد محفوظ ماند. سه روز بعد یعنی در تاریخ ۱۶ اکتبر، ممدق با انگلستان قطع رابطه کرد. از آن پس انگلیسی‌ها

کودتای ۱۹۵۳ در ایران

می‌کنند که این اختلاف را برادران رشیدیان ایجاد کردند و به آن نام زدند. البته تعیین درجه‌ها نیز اقدامات انگلیسی‌ها در ایجاد این اختلافات غیرممکن است ولی به احتمال قوی اقدامات مزبور مؤثر بوده است.

ممدق البته از این فعالیت‌ها مطلع بود. در تاریخ ۱۶ ژوئیه او بیک واکنش ناگهانی نشان داد به این معنی که پس از آن که بر سر مسئله کنترل توائ نظامی با شاه اختلاف پیدا کرد، استعفا نمود. آنگاه شاه قوام را به نخست‌وزیری منصوب کرد. ظاهراً "نقشه‌روی کار آمدن قوام هنوز تکمیل نشده بود. جبهه ملی تظا هسارات عظیمی برای برگرداندن ممدق ترتیب داد. جریسان این تظا هرات به خونریزی کشید. اقلاً ۶۹ نفر کشته و بیش از ۷۵ نفر زخمی شدند. شاه برای فرونشاندن تظا هرات از قوای انتظامی استفاده نکرد و چون قوام بین مردم نقطه اتکا می‌نهاد، شت بیرونی ممدق در نبرد خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر علیه کردند و در تاریخ ۲۱ ژوئیه ممدق را بریزاده تبه‌کری نخست‌وزیری برگرداندند.

این رویدادها نتایج شومی به بار آورد. روحیه ارتش شدیداً تنزل کرد موصوما چون ممدق اقدام به باکس‌زی افسران ارتش نمود. انگلیسی‌ها و طرفداران نشان ستوحش شدند. میدلتن گزارش داد که دربار سخت تضعیف شده و ممکن است دیگر نتوان از پیشرفت کمونیسم جلوگیری کرد. او چنین اظهار نظر کرد که: "وقایع ۲۱ ژوئیه را باید نقطه عطفی در تاریخ ایران تلقی نمود در گذشته طبقه حاکمه کوچک نخست‌وزیر را با حکمیت شاه انتخاب می‌کرد ولی حالاً تصمیم در دست توده مسردم است.

قضیه قوام برای جبهه ملی هم اشکالاتی پیش آورد حزب توده روز بروز قوی ترمی شد و جبهه ملی اقداماتی به عمل آورد تا فعالیت حزب را تحت کنترل آورد. ممدق در مورد تعیین وزیر و تقاضای اختیار از قانون گذاری با گاشانی و بعضی افسران جبهه شدیبا اختلاف پیدا کرد. حزب پان ایران بیسم به چند دسته تقسیم شد. گروهی از افسران به رهبری زاهدی با کمک برادران رشیدیان، شروع به توطئه علیه ممدق نمودند. زاهدی سرلشکر با زشته و عضو سنا رئیس جمعیت افسران با زشته

بیتیدا ز صفحه ۱

ندا ردوآلت بلا را ده بی در دست
آخوندها ست که خودسان هم نمی فهمند چه
غلطی می کنند، از نشستن و برخاستن و
مذاکره کردن با وزیر امور خارجه با
معاونان و نمایندگان وی چه حاصل؟!
در ایران، هیأت دولتی و وزارت امور
خارجیه به صورت ظاهر وجود دارد ولی
این ها عملاً هیچ کاره اند. سیاست های
اساسی کشور از جمله سیاست خارجی را
رئیس جمهوری یا نخست وزیر و وزیر امور
خارجیه و دیگران که مقام رسمی دارند اداره
نمی کنند. این کارها در جمهوری اسلامی
اختیارش بدست کسانی است که مسئول
اشباح وجودشان محسوس و در عین حال
نامعلوم است. این ها عیار رتبه از
اشخاصی که با بدلیل قرابت خانوادگی یا
سوابق و روابط شخصی به "بیت امام" راه
دارند و هر کدام زودتر دستشان به "امام"
برسد و در مزاج او تاء شیرینگذا رند مرکز
تصمیم گیری را برای مدتی با نظریات
خودشان همراه می کنند و همین نظریات
متناقض و متغیر است که از "بیت امام"
به دستگای اجرائی دیکته میشود و
ملاک عمل قرار میگیرد تا وقتی "ناسخ" آن صادر
شود!

راجع به قضیه گروگان گیری تاکنون
شعاعاً در یاد کتاب و گزارش منتشر شده
است. مجموعه این گزارش ها بزرگ نکته
گواهی میدهد که بازی گروگان گیری در
اختیار دولت و شورای انقلاب و رئیس
جمهوری و نخست وزیر و وزیر خارجه نبود.
اشخاصی غیر مسئول در پشت پرده این
بازی را شروع کردند بی آن که بدانند بی آن که
به عواقب و آثار آن بیندیشند. مهندس
بازرگان و وزیر خارجه که بینه موقت -
دکتریزدی - در برخورد با قضیه
اشغال سفارت و گروگان گیری دیپلماتیک
آمریکائی متوجه شدند که هر دو هیچکاره اند
و بطور کلی در نظام حکومتی جدید، دولت
کاره بی نیست. این بود که عصبانیت را
بوسیدن و کتک زدن و رفتن و کسانیکه بعد از
آن ها ممدارکا رشدند در طول یک سال و سه
ماه که بازی ادا مدها شد تیر در تار و یکی
می انداختند. آن ها در کار دروازه
دیپلماتیک با مجامع بین المللی و
دولت های خارجی و شخصیت های سیاسی و
غیر سیاسی راجع به گروگان ها مذاکره
می کردند و قول و قرار می گذاشتند و گهگاه
پیش خودشان خیال می کردند به حصول
فصل قضیه نزدیک شده اند اما در نهایت
اسرائیل چه را که این اشخاص مسئول
در طول هفته ها بیابا برو و بیگو و بیشنو
رشته بودند اشخاص غیر مسئول با یک
حرکت پنبه می کردند و حضرات سنگر روی
بخ می شدند.

بنی صدر که در دوران گروگان گیری وزیر
امور خارجه و بعد رئیس جمهوری - و در هر
دو حال عزیز کرده آقای خمینی - بود،
در کتاب "حیاتت به امید" می نویسد
اوایل هر چه ما می گفتیم نگه داشتند
گروگان ها به مصاحبت مملکت نیست و باید
وارد مملکت شد و امتیازاتی گرفت و قال
قضیه را کندی گوش خمینی فرو نمایی
رفت. در نتیجه گروگان ها آنقدر در

اشباح تصمیم گیرنده

واجب ادبی تصمیم

سارت ما نداندا که برعکس شد و خمینی
حسن کرد که باید خود را از شر گروگان گیری
برها ندو فرستادگان و بیژنه و با بیام های
محرمات به خارج رفتند و کار به مذاکرات
الجزایر رسید. درین مرحله هر چه ما گفتیم
رها کردن گروگان ها به این ترتیب
خیانت به مملکت است آقای خمینی گوش
بدهکار نبود و پایش را در یک کفش کرده که
کار با بدتاما شود!
گورت والدها یم رئیس جمهوری کنونی
اتریش در زمانی که دبیرکل سازمان
ملل متحد بود به اید فیصله بخشیدن به

می گذا رند و لو آن که امروز یک چیز بگویند
و فردا خلاف آن را.
آقای ده گویا را با این چنین اشخاصی
چه مسئله بی را مستوا ندخل کند؟
ده با ردیگر هم آقای ولایتی یا نمایندگان
وی به نیویورک بروند و با دبیرکل سازمان
ملل مذاکره کنند. بقینا "حیزی حل نمی-
شود.

یکی از کسانی که در مسئله جنگ ایران و
عراق نقی مذاکره کننده را برعهده
دارد آقای لاریجانی معاون وزارت امور
خارجیه جمهوری اسلامی است. ایشان اخیراً
به جلسه "گفت و گوهای سیاسی" در دانشگاه
تهران دعوت شده بود. سئوالی که با
این طراح برجسته دیپلوماسی کشسور
در حال جنگ در میان گذاشته اند و جوابی
که داده است بسیار بسیار شنیدنی
است: می پرسند:

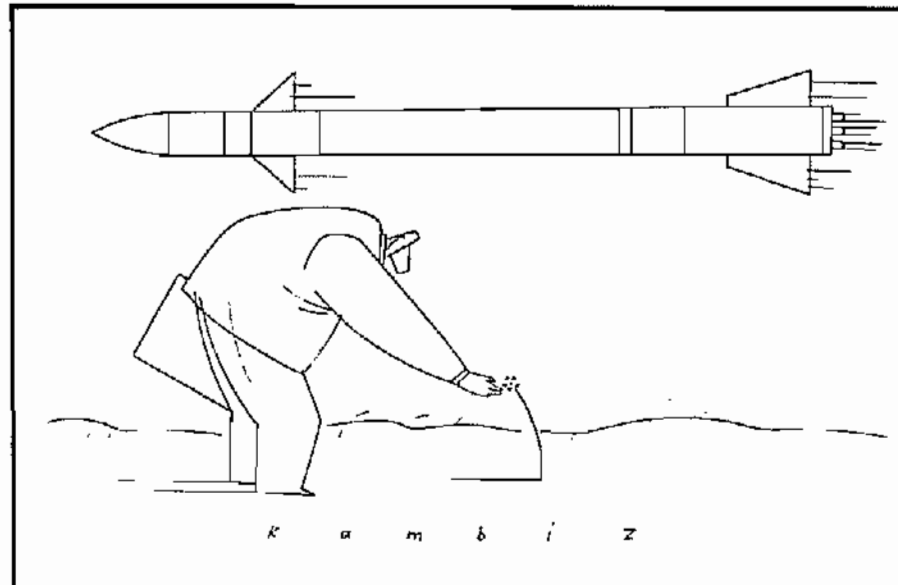
"آیا تحرک اخیر سیاسی ایران در تمامی
مراکز تصمیم گیری داخل کشور مورد
تائید واقع شده یا مخالفتی نیز
داشته است؟"

میگوید:

"اصولاً هیچ تصمیمی راجع به جنگ
بدون نظر افرادی که شرعاً باید در
مسئله دخالت داشته باشند قابل اجرا
نیست و وزارت امور خارجه هرگز برخلاف
این روال اقدامی انجام نمی دهد. درین
زمینه نیز ریشه تمام ولایت ها به ولایت
فقیه بازمی گردد. بنا بر این تمام مسائل
مربوط به جنگ مسیر کلی خود را در مراحل
تا بید و تصویب حتماً طی می کند."

به زبان خیلی ساده، ایشان میفرمایند
من آقای ولایتی و امثال ما چه کاره ایم
که بتوانیم در باره جنگ و مسائل مربوط
به جنگ تصمیمی بگیریم؟ تصمیم گیرنده
"ولایت فقیه" است و در برابر تصمیمی که
"ولایت فقیه" اتخاذ می کند کسی
جرات ندارد که کلمهء مخالفت بر زبان
بیاورد؟

از مذاکره با چنین عناصری دبیرکل
سازمان ملل متحد که مشکل فرو بسته را
میتوان ندیکشاید؟



K a m b i z

وزیر و وزیر امور خارجه گرفته تا عوامل درجه
دوم و درجه سوم اصولاً اشخاصی نیستند که
از خودشان عقیده و نظری داشته باشند.
بغرض همه که در مسائلی به انداز افراد
معمولی صاحب فکر و عقیده باشند سر نوشت
با زرگان و قطب زاده و بنی صدر به آن ها
آموخته است که شرط سلامت درین رژیم
اینست که انسان نه چیزی بداند، نه چیزی
بفهمد و نه چیزی بگوید. فقط آن چیزی
را با بید و گوید که طوطی و ایریز زبانش

ما برای گروگان گیری سفری به تهران
کرد. آن زمان مادمق قطب زاده وزیر امور
خارجیه بود و والدها یم در خا طرات
می نویسد که قطب زاده واقعا "میخواست
راهی برای ختم بحران گروگان گیری
پیدا کند اما کاری از دستش ساخته نبود.
گورت والدها یم نوشته است بعد از آن که
به تهران رفتم تا زه فهمیدم مرا هم به
آنجا کشانده اند که در زمانش خودشان
نقشی به گردنم گذا رند و بازی را گرمتر

تظاهرات ضد جنگ

در آلمان

در شهرها مبورگ واقع در آلمان غربی
اعضای هواداران نهضت مقاومت ملی
ایران در روز ۲۶ اسفند ماه در مقابله
کنسولگری جمهوری اسلامی اجتماع
کردند. تظاهرات کنندگان در حالی که هر یک
مشعل در دست داشتند، علیه رژیم
جنگ افروز خمینی شعار می دادند آن ها
با فریادهای جنگ پس است، صدور اسلحه
آلمانی به رژیم خمینی موقوف، توجه
خاص شهروندان آلمانی را جلب کردند.
درسی این تظاهرات واحد شهری نهضت
مقاومت ملی ایران در مونیخ از ایرانیان

مقیم مونیخ دعوت بعمل آورد که صرف نظر
از گزارش های خاص سیاسی، به منظور
اعتراض به ادامه جنگ ویرانگر ایران و
عراق و برای زتنفر نسبت به رژیم
جنگ افروز خمینی در تظاهرات ضد جنگ
شرکت کنند. به این دعوت گروه کثیری
از ایرانیان پاسخ مثبت دادند و در
ساعت ۱۱ صبح ۱۲ اسفند ماه راهپیمائی
ضد جنگ ایرانیان از میدان دانشگاه
مونیخ به سوی یکی از میدان های بزرگ
شهر آغاز گردید. در پایان مسیر
تظاهرات قطعنامه ای قرائت گردید که
در آن شرکت کنندگان همدا آداده
جنگ و بمباران شهرها و رژیم جنگ افروز
خمینی را به شدت محکوم کردند.
در این قطعنامه ضمن تاکید بر صلح طلبی

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی:
QYAM IRAN
C O C B,
17, bd RASPAIL,
75007 PARIS
FRANCE